

مرزی بین واقعیت و خیال وجود ندارد

گفت وگو با محمدباقر کلاهی اهری، شاعر مشهدی که طرح هایش را بعد از ۴۰ سال رونمایی کرد



سید جواد اشکذری

«نه شعر به من می‌چسبد، نه من خودم را به شعر می‌چسبانم.»

این جمله معروف مردی از دیار مشهد است که هر چند شعر کلاسیک را به خوبی می‌شناسد، اهالی فرهنگ و هنر او را به عنوان یک شاعر سپیدگوی خلاق می‌شناسند. محمدباقر کلاهی اهری که در سال ۱۳۲۹ در مشهد متولد شده است، اولین مجموعه شعر خود را با عنوان «برفرار چار عناصر، در سال ۱۳۵۶ روانه بازار کرد. او طی این سال ها هر چند در قالب کلاسیک هم آثار فراوانی داشته، همواره به شعر سپید پایبند بوده است. «باغی در منقار بلبل»، «از نو تازه شویم»، «گزیده ادبیات معاصر»، «کاش»، «دامنه های پری آباد، و... برخی از آثار کلاهی اهری هستند. طرح های این شاعر برجسته شعر معاصر برای اولین بار با عنوان «غول های خاکستری»، چندی پیش در نگارخانه «بن بست، در معرض دید عموم قرار گرفت. گفت وگویی شهرا را با این شاعر مشهدی که طرح هایش را بعد از چهار دهه رونمایی کرده است، می خوانید:

- شما ابتدا شاعر بودید یا طراحی؟ شاعر. کار شعر را از دهه ۴۰ شروع کردم. سابقه اش در خانواده ما بود. من خیلی زود توانستم به چند شاعر مطرح و برجسته که در قهوه خانه «داش آغا» جمع می شدند و کلاسیک شعر می گفتند، نزدیک شوم. دوره ای در عرصه ادب کلاسیک ایران چرخیدم و دستاورد هایی که در ذهنم شکل گرفته بود، در آنجا به قوام رسید.
- اولین طراحی شما از کجا شروع شد؟ از سال ۱۳۵۶. در این دوره نقاشی هایی در دفتر بی خط سفیدی می کشیدم.
- نقاشی و طراحی هم مانند شعر و شاعری در خانواده شما جریان داشت؟ بله، ما دارم نقاشی می کرد. روی بقیچه های نقش ها و طرح های رنگی می زد، روی پارچه نقش هایی از گل و پرند می کشید. مادرم در این کار مهارت داشت. این را هم در نظر داشت که چیزهایی نقاشی کند که دوختن آن خیلی پیچیده نباشد. برای همین یک نقاشی ساده را اجرا می کرد. نوع نقاشی او در ذهن من بود. خودم هم وقتی در مدرسه نقاشی می کشیدم، نمی توانستم از الگوهای معلم مدرسه پیروی کنم. بیشتر ذهنم درگیر آن نقاشی های خیالی بود که مادرم اشیا را در تخیل خودش تصور می کرد و بعد می کشید. بعدها وقتی که به تئاتر آمدم، طراحی صحنه توجهم را جلب کرد.
- در آن زمان هم نقاشی می کشیدید؟ آن زمان گاهی هم نقاشی می کشیدم. به نظرم رسید که نقاشی را می توانم در طرح های صحنه انجام بدهم؛ یعنی برای صحنه ای که توضیحی هنوز به من داده نشده بود، می توانستم تصویری ایجاد

- بکنم. در طراحی صحنه هم به عناصر دیگر صحنه فکر می کردم که مکمل یکدیگر باشند و انرژی همدیگر را تخلیه نکنند. سینما هم تأثیرگذار بود، چون همه سینما تصویر است. مانسلی بودیم که زمان خوبی با سینما آشنا شدیم، در دهه ای که سینما از لحاظ بصری مهم تر بود. خیلی خوب می توانستند اجزا را قاب بندی کنند. این چیزها در ذهنم بود. اما از زمانی به بعد، دفترها و سر رسید به دستم رسید که در آن ها کاغذهای سفیدی داشت و من به جای اینکه بر روی کاغذهای مختلف چیزی بنویسم، طرحی می زدم. بدون ذهنیت قبلی و اتود زدن های معمول، چیزی که به ذهنم می آمد، سریع می کشیدمش.
- به نوعی شاعری به شکل تصویر؟ بله. بعضی مواقع به جای اینکه حرفی بزنم یا شعری بگویم، تصویری می کشیدم. آن سر رسیدها باعث شد این طرح ها به یک مجموعه تبدیل شود. طرح هایم بی ارتباط با هم نیستند. انگار فرم های مختلفی در یک موضوع و محور می چرخند.
- ارتباط طراحی شما با شعر گفتنات چگونه است؟ هم زمان صورت می گیرد یا دو مقوله جدا هستند؟ این گونه نبوده است که هم زمان با گفتن شعری، طرحش را بکشم. این طرح ها منطق نقاشی و حتی منطق طراحی ندارند. این گونه نبوده است که چیزی را ببینم و بر اساس آن بکشم. طرح ها بر اساس تفکرات ذهنی ام شکل گرفته و به یک هارمونی رسیده اند.
- شیوه خاصی را دنبال می کردید؟ کاراکتری را در شرایط مختلف

- طراحی هایم قرار می دادم. منشا شکل گیری این کاراکتر از کجا می آمد؟ کاراکتر یک دوره از شرایط اجتماعی بود و اگر بخواهم از بیرون به آن شرایط اجتماعی نگاه کنم، می بینم خودم در طراحی هایم بودم. اما در شرایط و موقعیت های متفاوت فردی و اجتماعی که یکی از آن ها تنهایی من بود که در طرح هایم نمود پیدا می کرد، تنهایی آدم ها با هم متفاوت است. من از زمانی سعی کردم خودم را با زندگی اجتماعی وفق بدهم، اما از جایی متوجه شدم که دیگر نمی توانم.
- مضامینی مانند تنهایی که بیان کردید، در برخی از طرح های شما مشاهده می شود. آیا به کودکی شما برمی گردد؟ من چهار سال در یک روستا زندگی کردم. پدرم مشاور املاک بود و پدر بزرگم ملک های بسیاری داشت. پدرم در هشت سالگی به روستا رفت و در چهل و هشت سالگی به شهر برگشت. چهل سال در روستا زندگی می کرد. وقتی با مادرم ازدواج کرد، مادرم تمایلی نداشت وارد آن فضا بشود و من به خاطر شغل پدرم چهار سال در روستا بودم. آنجا برق نداشت و شب ها تاریک بود. من بچه تنهایی بودم. چون مادرم نمی گذاشت که من با بچه های روستا معاشرت کنم. در روستای چشمه گیلاس نهری بود پر از درخت و من پسری تنها؛ در کنار درختان رودخانه چهار سال زندگی کردم، در آن روستا داستان هایی درباره غول و جن می شنیدم. احساس می کردم اگر چشم دیگری داشتم، آن ها را می دیدم. این موجودات را در مرز دیدن و ندیدن

- طراحی هایم قرار می دادم. منشا شکل گیری این کاراکتر از کجا می آمد؟ کاراکتر یک دوره از شرایط اجتماعی بود و اگر بخواهم از بیرون به آن شرایط اجتماعی نگاه کنم، می بینم خودم در طراحی هایم بودم. اما در شرایط و موقعیت های متفاوت فردی و اجتماعی که یکی از آن ها تنهایی من بود که در طرح هایم نمود پیدا می کرد، تنهایی آدم ها با هم متفاوت است. من از زمانی سعی کردم خودم را با زندگی اجتماعی وفق بدهم، اما از جایی متوجه شدم که دیگر نمی توانم.
- مضامینی مانند تنهایی که بیان کردید، در برخی از طرح های شما مشاهده می شود. آیا به کودکی شما برمی گردد؟ من چهار سال در یک روستا زندگی کردم. پدرم مشاور املاک بود و پدر بزرگم ملک های بسیاری داشت. پدرم در هشت سالگی به روستا رفت و در چهل و هشت سالگی به شهر برگشت. چهل سال در روستا زندگی می کرد. وقتی با مادرم ازدواج کرد، مادرم تمایلی نداشت وارد آن فضا بشود و من به خاطر شغل پدرم چهار سال در روستا بودم. آنجا برق نداشت و شب ها تاریک بود. من بچه تنهایی بودم. چون مادرم نمی گذاشت که من با بچه های روستا معاشرت کنم. در روستای چشمه گیلاس نهری بود پر از درخت و من پسری تنها؛ در کنار درختان رودخانه چهار سال زندگی کردم، در آن روستا داستان هایی درباره غول و جن می شنیدم. احساس می کردم اگر چشم دیگری داشتم، آن ها را می دیدم. این موجودات را در مرز دیدن و ندیدن

- حس می کردم. در آن زمان دوست داشتم این گونه موضوعات را شاخ و برگ بدهم. و این شخصیت طرح هایتان، گاهی هم در شرایط مختلف اجتماعی دیده می شود. بله، همان آدم اما در شرایط مختلف. چون شما هنرمندی هستید که هم زمان دو عرصه رسانه و هنر را تجربه می کنید، این نگاه را به طرح ها دارید. از یک طرف فضای رسانه باید در انعکاس جامعه شفاف و عریان باشد و از طرفی هم آن فضای شگفت انگیز دراماتیک در هنر نمایشی وجود دارد. من معتقدم تئاتر بدون تضاد دیالوگی به وجود نمی آید. دیالوگ وقتی اتفاق می افتد که کشش و واکنشی در جریان باشد. این نوع نگاه که برگرفته از تئاتر است در برخی از کارهای من وجود دارد.
- برخی از طرح های شما میزانشن تئاتری دارند. شخصیت هایی وجود دارد و آن ها در طرح ها چیده شده اند. به نوعی شخصیت های شما در شرایط و موقعیت های دراماتیک در حال گفت وگو هستند که حاکی از عقبه تئاتری شماست.

- به آدم های مختلفی برخورد داشتم و زندگی کردم. در دورانی هستیم که خیلی چیزها به وجود آمد. زمانی من فیلم های صامت می دیدم که در آن ها از دیالوگ و گفت وگو هیچ خبری نبود. بعد فیلم های سیاه و سفید و بعد فیلم های رنگی روی پرده های سینما ظاهر شدند. تحول سینما را دیدم که خودش باعث شد به این باور برسیم که من با پدیده راکدی روبه رو هستم. سینما مجموعه ای از اتفاقات مختلف بود که منجر به فناوری شد. فناوری در خدمت هنر و جامعه بود و آن را به سمت واقعیت برد، به ما

«نیوکمپ»؛ زرد و تحقیر آمیز

چرا پایان «نیوکمپ» به سود شبکه نمایش خانگی است؟



حتی مؤلفه های فنی و حداقل استانداردهای مدیوم سریال هم برای هادی و همکارانش بی اهمیت شده اند. نماهای تلویزیونی، بازی های ضعیف، بی دقتی در جزئیات و از همه مهم تر لحن فیلم نامه، مواردی هستند که از «نیوکمپ» یک مجموعه ناامیدکننده ساخته اند و متأسفانه به نظر می رسد که منوچهر هادی هم کمترین توجهی به این موارد نداشته است.

معنای غامض کمدی

صحبت کردن از جنس کمدی «نیوکمپ» یک اشتباه مکرر است، زیرا این سریال اساسا بهره ای از معنای «کمدی» نبرده است و صرفا مجموعه ای از ترفندهای سرگرم کننده محسوب می شود. ضعف بزرگ فیلم نامه در طراحی شوخی هاست که امکان هر گونه خلاقیت ثانویه را از عوامل «نیوکمپ» سلب می کند. نکته

نشان داد که مرزی بین واقعیت و خیال وجود ندارد. هرچه را بتوان تخیل کرد، می توان به تصویر تبدیل کرد. شعر هم همین طور است.
● آیا شما سبک خاصی را دنبال می کنید؟ در طراحی پیرو آثار طراحان خارجی یا ایرانی خاصی هستید؟ نه. هرچه هست از طریق مشاهده در من شکل گرفته است. از زمانی که طراحی را شروع کردم، مجموعه های طراحی و نقاشی را می دیدم. ولی می دیدم که ساده ترین کار، مقدورترین کار است. فضاهای طرح هایم خیلی توضیح دادنی نیستند. در آن ها با کمترین خطوط حرفم را می زنم؛ خط هایی که بدون هیچ تغییری از آن ها در طرح هایم استفاده می کنم.

● هیچ وقت پیش نویسی در کار نبوده است؟ نه، هیچ کدام از این طرح ها «اتود، قبلی نداشته است. از قبل به آن ها فکر نکرده ام. من وقتی پرنده ای را می کشم، بعد از آن سعی می کنم با خط های دیگر هارمونی فضای اطرافش را به وجود بیاورم.

● این عنصر بداهه در به کارگیری تکرنگ های شما در طرح هایتان هم به همین شکل بوده است؟ بله، در بعضی از کارها رنگ هست و در بعضی از طرح هایم نه. من نمی خواستم و نمی توانستم طرح رنگی کار کنم، ولی به رنگی استفاده می کردم.

● چرا این طرح ها این قدر دیر در مسیر نمایشگاه قرار گرفتند؟ من چهل سال است که به صورت جدی طراحی می کنم. در این مدت خیلی ها به من گفتند که این طرح ها را به محک دید دیگران هم بگذارم. چند طرح را در کتاب شعرم استفاده کردم. هیچ وقت این طرح ها را رونمایی نکردم تا اینکه مستندی توسط آبان صابری ساخته شد و در آن از برخی طرح ها در کنار اشعارم استفاده شد. اما آن فیلم هیچ وقت به نتیجه نرسید و آن صداها توسط رضا عابدین زاده و نوید اربابیان به صورت چندین یادگست به نام «دم نوش» منتشر شد. بالاخره بازخوردی که من از مخاطب درباره طرح ها داشتم، سبب شد به این باور برسیم که این طرح ها باید بیشتر دیده شوند.

● تا اینکه طرح ها به نمایشگاه «غول های خاکستری» رسیدند؟ وقتی سهیلا دیرگلی، از مدیران نگارخانه «بن بست»، طرح ها را دید، پیشنهاد نمایشگاه را به من داد. خیلی واهمه داشتم. می ترسیدم. این اتفاق برای من مثل این بود که کسی با لباس خانه بخواهد در خیابان بچرخد، اما وقتی بعضی از این طرح ها در کتاب چاپ شد، تا حدودی ترسم ریخت و با این موضوع کنار آمدم.
● چگونه به این تعداد طرح در نمایشگاه رسیدید؟ خانم دیرگلی طرح هایی را برای این نمایشگاه انتخاب کردند که از لحاظ محتوایی و فرم هماهنگی و هارمونی بیشتری با هم داشتند.

ایفا می کنند. این دو کاراکتر به معنای دقیق کلمه لوده هستند و سعی می کنند حرفه های فیلم نامه و دست خالی نویسند را با رفتارهای اغراق شده، فریادهای مکرر و جنون آمیز، شوخی های دوپهلوی ضد فرهنگ و مواردی از این دست پر کنند که طبیعتا حاصل این رویکرد چیزی جز افزودن به عمق جامعه نخواهد بود.

● غم نان و غم انسان

تردیدی وجود ندارد که سیاهی و ابتذال موجود در محصولات زرد و شانه تخم مرغی گریبان کارنامه منوچهر هادی را گرفته و این موضوع مشخصا در «نیوکمپ» منعکس شده است. شرح و توضیح این نکته به کرات مورد اشاره قرار گرفته و برای عموم مردم و منتقدان روشن است. «نیوکمپ» اما با شدتی تأسف بارتر از «نیسان آبی»، از یک آفت ضمنی وحشتناک رنج می برد: تحقیر طبقه فرودست. به طور کلی، بخش عمده ای از شوخی های «نیوکمپ» ناظر به تنزل شخصیت اعضای خانواده سرچشمه است؛ جایی که اعضای این خانواده افرادی حقیر معرفی می شوند که به دنبال تکرار کردن لیونل مسی، به یک بهانه واهی، هستند. این رویکرد از کارگردانی که روزگاری در «آینه بغل» به موضوع اختلاف طبقاتی کنایه می زد و در «رحمان ۱۴۰۰» نقد کمیک خود به آقا زاده ها را ارائه می داد، یک بازگشت به عقب باورنکردنی محسوب می شود. کافی است سکانس غذا خوردن این خانواده در سفارت رایک بار دیگر مرور کنید و ببینید که قاب های این بخش از «نیوکمپ» چطور حقارت شخصیت ها را به تصویر می کشند و فقر را مترادف دناالت معرفی می کنند.



مدیرکل ارشاد خراسان رضوی:

هنرمندان در تدارک نمایش های محر می هستند



مدیرکل فرهنگ و ارشاد خراسان رضوی از تلاش هنرمندان تئاتر مشهد برای تولید و اجرای نمایش های آیینی به مناسبت ماه محرم خبر داد. به گزارش شهرآرانیوز، محمد حسین زاده با اشاره به نمایش های «ترمز اضطراری» و «آهوان»، دو اثر آیینی در حوزه امام رضا(ع) که روز های پایانی اجرای خود را سپری می کنند، گفت: باید این توجه هنرمندان را به فضا های دینی و معنوی قدر دانست. این روز ها نمایش هایی در مشهد اجرا می شود که متناسب با هویت شهر مشهد و هویت دینی مردم است. این اتفاق به دلیل علاقه هنرمندان به این موضوع است. این درحالی است که ما در طیف های مختلف هنری نظرات و آرای مختلفی داریم؛ بااین حال در زمان هایی که تعارضاتی در جامعه رخ می دهد قریب به اتفاق هنرمندان، به ویژه در مشهد، به مفاهیم دینی و مذهبی توجه دارند و این را می شود در آثارشان دید. او تصریح کرد: برای ماه محرم نیز هنرمندان تئاتر مشهد در تدارک برنامه های نمایشی آیینی هستند تا از این طریق عرض ارادت خود را به سرور و سالار شهیدان نشان دهند. حسین زاده درباره دیگر اجراهای تئاتر مشهد که این روزها به تئاتر مشهد رونق داده است، نیز گفت: در کنار آثار دینی و معنوی، اولویت ارشاد خراسان رضوی حمایت از آثار نمایشی خانواده محور است.

پخش سریال «عشق کوفی» در شبکه ۳



سریال «عشق کوفی» به کارگردانی حسن آخوندپور، سینماگر مشهدی، و تهیه کنندگی سعید سعدی به عنوان سریال محرمی شبکه ۳ پخش خود را از ۲۹ تیر آغاز می کند. این سریال به نویسندگی فائزه یارمحمدی و بزدان محمدتاضی قرار است روایتگر یک عشق در سال ۶۱ هجری قمری باشد که اتفاقات کوفه و کربلا آن را دستخوش تغییراتی می کند. لعلیا زنگنه، نادر سلیمانی، سعید شریف، شبنم قربانی، حسین سلیمانی، نادر فلاح، سوگل پلهماسی، مریم کاروانی، عمار تقی، سیدجواد هاشمی و ثریا قاسمی از جمله بازیگران اصلی «عشق کوفی» هستند. این سریال تاریخی در پانزده قسمت هر هفته پنجشنبه و جمعه ساعت ۱۰:۳۰ از شبکه ۳ و همچنین تکرار آن ساعت یک بامداد، ۱۰ صبح و ۱۴ عصر روز بعد پخش می شود.

استقبال کم مشهدی ها از جشنواره «حوا»



جشنواره فیلم حوا که از ۲۰ تیرماه هم زمان با تهران در چندین استان کشور، از جمله خراسان رضوی، آغاز به کار کرده بود، جمعه، ۲۳ تیر، به پایان رسید. سوسن محمدزاده، سرپرست گروه امور سینمایی و سمعی و بصری ارشاد خراسان رضوی، درباره روند برگزاری نخستین جشنواره فیلم حوا در مشهد گفت: در طول برگزاری این جشنواره در سینما مهر کوهسنگی فیلم های داستانی کوتاه، مستند و فیلم های بلند سینمایی اکران شدند که متأسفانه همه تکراری و در جشنواره های قبلی اکران شده بودند. این تکراری بودن فیلم ها، در کنار گرمای چهل درجه و همچنین نبود اطلاع رسانی مناسب درباره این رویداد از دلایل استقبال کم از جشنواره حوا در مشهد بود. او ادامه داد: همچنین به دلیل هفته حجاب و عفاف، توجه مسئولان و ارگان ها به سمت برگزاری نمایشگاه خانواده و برنامه های دیگر معطوف بود.

اکران مستند «غیر مسکونی» با حضور میرکریمی



مستند «غیر مسکونی»، ساخته مسعود زارعیان، در قالب کارگاه انتقال تجربه «روایت شهر» و با حضور رضا میرکریمی در سینما مهر کوهسنگی مشهد اکران شد. مسعود زارعیان پس از اکران مستندش در این رویداد تأکید کرد که «غیرمسکونی» با محوریت شهر مشهد ساخته شده است؛ نکته ای که رضا میرکریمی نیز به آن اشاره کرد و آن را ظرفیتی مطلوب در فیلم سازی دانست. این کارگردان مطرح سینمای ایران همچنین از صمیمیت و نزدیکی کارگردان با سوژه اثر یاد کرد و این صمیمیت را نقطه قوت مستند دانست.



«پرواز زمان» در نگارخانه رادین



نمایشگاه نقاشی «پرواز زمان» در نگارخانه رادین آغاز به کار کرد. در این نمایشگاه مجموعه آثار نقاشی حافظه جواد زاده طباطبایی به نمایش درخواهد آمد. نمایشگاه نقاشی «پرواز زمان» تا چهارشنبه، ۲۸ تیر، ادامه دارد و علاقه مندان برای بازدید از آثار آن می توانند از ساعت ۱۷ تا ۲۱ به نگارخانه رادین واقع در حامد جنوبی ۱۲ پلاک ۱۳۷ مراجعه کنند.